

بررسی رابطه بین راهبردهای یادگیری زبان و عزت نفس
دانشجویان زبان انگلیسی

دکتر حسن ایروانی*، امیر اسدی فرد**

خلاصه

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین راهبردهای یادگیری زبان (LLSs) و عزت نفس عمومی (GSE) دانشجویان رشته زبان انگلیسی و این که دانشجویان از کدام راهبردهای یادگیری بیشتر استفاده می کنند، بوده است. ۱۲۷ نفر از دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه دولتی لرستان در این پژوهش شرکت کردند. این تعداد شامل ۳۲ پسر (۲۵/۱۹٪) و ۹۵ دختر (۷۴/۸۰٪) بودند که ۳۶ نفر (۲۸/۳۴٪) آنان سال اول، ۳۱ نفر (۲۴/۴۰٪) سال دوم، ۲۳ نفر (۱۸/۱۱٪) سال سوم و ۳۷ نفر (۲۹/۱۳٪) سال چهارم بودند. دو پرسش نامه جهت جمع آوری اطلاعات استفاده شد: ۱) نسخه فارسی راهبردهای یادگیری زبان آکسفورد (۱۹۹۰) و ۲) مقیاس اندازه گیری عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵). ابتدا اطلاعات گردآوری شده با استفاده از آمار توصیفی طبقه بندی شدند. سپس جهت بررسی رابطه بین راهبردهای یادگیری و عزت نفس و نیز رابطه بین هر کدام از گروه های راهبردهای یادگیری و عزت نفس مربوط به همان گروه از تحلیل ضریب همبستگی استفاده شد. از آزمون t برای مقایسه میانگین امتیازات مربوط به دانشجویانی که از راهبردهای یادگیری بیشتر استفاده می کنند و آنهایی که کمتر استفاده می کنند، استفاده شد. همچنین دو گروه مذکر و مؤنث با استفاده از آزمون t و بر اساس میانگین امتیازات مربوط به راهبردهای یادگیری و عزت نفس مورد ارزیابی قرار گرفتند. یافته ها نشان دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین میزان استفاده از راهبردهای یادگیری زبان و عزت نفس عمومی است ($t=0.49, p<0.05$). آنهایی که از راهبردهای بیشتری استفاده می کنند از عزت نفس بیشتری برخوردارند. از بین گروه های مختلف راهبردهای یادگیری، راهبردهای ذهنی و جبرانی بیشترین همبستگی و راهبردهای مربوط به احساسات کمترین همبستگی را با عزت

* دانشگاه پیام نور، دانشکده زبان انگلیسی

** کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی

نفس نشان می دهند. به علاوه، مشخص شد که جنسیت افراد نقش تعیین کننده ای در میزان استفاده از راهبردهای یادگیری و یا میزان عزت نفس ندارد.

واژه‌های کلیدی: راهبردهای یادگیری زبان، عزت نفس عمومی.

مقدمه

نقش مؤثر عوامل مربوط به احساسات به دلیل توجه بیش از حد به فرایندهای ذهنی مدت زمانی به فراموشی سپرده شده بود. اما اخیراً شاهد تغییر این روند به گونه ای بوده ایم که نقش عوامل احساسی و رابطه آنها با متغیرهای دیگری که در آموزش و یادگیری زبان تأثیر دارند مورد بررسی دقیق تری قرار گرفته است. از طرف دیگر، پژوهشگران و معلمان همیشه در جستجوی روش های مؤثرتری برای امر آموزش و یادگیری بوده اند. استفاده بیشتر از راهبردهای یادگیری زبان یکی از خصوصیات زبان آموزان موفق بوده است و عزت نفس نیز یکی از عوامل احساسی است که به نظر می رسد رابطه معناداری با میزان استفاده از این راهبردها داشته باشد. اما قضاوت در مورد چنین فرضیه ای به دلیل عدم وجود پژوهش های کافی کاری دشوار می نماید. از این رو در صورت اثبات وجود چنین رابطه ای، به معلمانی که مستقیماً در گیر امر آموزش هستند این امکان داده می شود ضمن شناخت بهتر دانش آموزان، آموزش موفق تری داشته باشند. آنها همچنین با استفاده از این یافته ها می توانند به دانش آموزان کمک کنند تا توانایی خود را بهتر بشناسند و زبان آموزان موفق تری باشند.

عزت نفس " قضاوت شخص درباره خویش براساس میزان خود کارآمدی یعنی تعامل مؤثر با محیط پیرامون " (ریچاردز و اسمیت، ۲۰۰۲) است.

براون (۲۰۰۰) بر این عقیده است که هیچ موفقیتی در زمینه های ذهنی و فعالیت های احساسی حاصل نمی شود مگر با داشتن عزت نفس لازم و اعتقاد و اعتماد به توانایی خوشتن برای انجام فعالیتی مشخص.

از راهبردهای یادگیری زبان نیز تعریف های بسیاری صورت گرفته است. مانند گوهن، ۱۹۹۸ و امالی و چاموت، ۱۹۹۰. از آنجایی که در این پژوهش از پرسش نامه طراحی شده آکسفورد استفاده می شود به این تعریف اشاره می گردد. راهبردهای یادگیری زبان فعالیت های هستند که به وسیله زبان آموزان و در جهت فراگیری، ذخیره و یادآوری اطلاعات به طور مؤثر انجام می شوند. بنابراین راهبرد یادگیری را می توان تکنیکی دانست که زبان آموزان به طور آگاهانه و هوشمندانه برای کمک به روند یادگیری خویش به کار می گیرند.

پژوهش‌های مربوط به راهبردهای یادگیری با مطالعات مربوط به ویژگی‌های زبان آموز خوب در اواسط دهه ۱۹۷۰ شروع شد. نتایج بررسی تفاوت‌های بین زبان آموزان مختلف نشان داد عوامل ذهنی، احساسی و فرهنگی - اجتماعی متعددی باعث این تفاوت‌های فردی می‌شوند (براون، ۲۰۰۰). سپس بعضی مانند رایین علاقه‌مند به کشف تفاوت‌های بارز بین زبان آموزان خوب و زبان آموزان ضعیف شدند (۱۹۷۵). پس از آن نیز پژوهش‌ها به سمت آن دسته از راهبردهای یادگیری که زبان آموزان خوب استفاده می‌کنند پیش رفت. جدیدترین و کامل‌ترین فهرست راهبردهای یادگیری مربوط به آکسفورد است که شامل ۵۰ مورد بوده و به شش گروه راهبردهای مربوط به حافظه، فرایندهای ذهنی، فرایندهای جبرانی، فرایندهای فراذهنی، فرایندهای احساسی و فرایندهای اجتماعی تقسیم می‌شود. همچنین پژوهش‌های دیگری نیز از سوی آکسفورد و همکارانش (۱۹۸۹) انجام شد که به بررسی پرکاربردترین و کم‌کاربردترین راه کارهای یادگیری در بین زبان آموزان پرداختند. در پژوهش حاضر رابطه بین گروه‌های شش گانه راهبردهای یادگیری و عزت نفس به صورت کلی و به تفکیک گروه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش

آزمودنی‌های پژوهش دانشجویان دوره کارشناسی رشته ادبیات زبان انگلیسی دانشگاه لرستان بودند. تعداد شرکت کنندگان ۱۲۷ نفر بود که به صورت تصادفی از بین کل دانشجویان زبان دانشگاه در زمان انجام پژوهش انتخاب شدند. سن آنها بین ۱۸ تا ۲۸ بود. این نمونه شامل ۳۲ پسر (مذکر) (۲۵/۱۹٪) و ۹۵ دختر (مؤنث) (۷۴/۸۰٪) بود که ۳۶ نفر (۲۸/۳۴٪) سال اول، ۳۱ نفر (۲۴/۴۰٪) سال دوم، ۲۳ نفر (۱۸/۱۱٪) سال سوم و ۳۷ نفر (۲۹/۱۳٪) سال چهارم بودند. این دانشجویان از مناطق مختلف کشور بودند و از نظر اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی با یکدیگر تفاوت‌هایی داشتند.

ابزار پژوهش

مقیاس اندازگیری عزت نفس: به منظور کسب اطلاعات مربوط به میزان عزت نفس دانشجویان از مقیاس عزت نفس روزنبرگ که در سال ۱۹۶۵ از سوی وی طراحی شده بود استفاده شد. این مقیاس ۱۰ قسمتی یکی از پرکاربردترین مقیاس‌های اندازگیری عزت نفس است و امتیازبندی آن به صورت مقیاس لیکرت چهار قسمتی است. امتیاز به دست آمده بیانگر عزت نفس عمومی شرکت کنندگان است (روزنبرگ، ۱۹۸۹). مطالعات گوناگونی بر ای

بررسی روایی و پایایی این مقیاس انجام شده است که از آن جمله می توان به مطالعات خود روزنبرگ اشاره کرد. همچنین بین نمره‌های حاصل از این مقیاس و نمره‌های به دست آمده از مقیاس عزت نفس کوپراسمیت^۱ رابطه مثبت و معناداری به دست آمد (دمو، ۱۹۸۵). جهت بررسی پایایی این مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب آلفای این مقیاس با توجه به اطلاعات جمع آوری شده برابر با ۰/۷۲ بود که نشان دهنده بالا بودن نسبی پایایی این مقیاس است.

فهرست راهبردهای یادگیری زبان: نسخه فارسی فهرست ۵۰ قسمتی آکسفورد (۱۹۹۰) دیگر پرسش‌نامه مورد استفاده در این پژوهش بود. این پرسش‌نامه از سوی طهماسبی (۱۹۹۹) از انگلیسی به فارسی ترجمه شد و محمدی (۲۰۰۳)، رضایی و الماسین (۲۰۰۷) از آن جهت اندازه گیری میزان استفاده از راهبردهای زبان استفاده کرده‌اند. به طور کلی پایایی نتایج از حاصل از این ابزار که برای دانشجویان انگلیسی به دست آمده بالا بوده است و نتایج پژوهش‌ها این مطلب را تأیید می کنند. مثلاً پایایی نتایج مربوط به یک نمونه شامل ۲۵۵ دانشجوی ژاپنی بر اساس پژوهش واتاناب (۱۹۹۰) ۰/۹۲ و نتایج مربوط به ۳۳۲ دانشجوی کره ای که از سوی پارک (۱۹۹۴) گزارش شد ۰/۹۳ بوده است. در این پژوهش نیز با توجه به نتایج به دست آمده از نسخه فارسی و با محاسبه آلفای کرونباخ عدد ۰/۹۱ به دست آمد که حاکی از پایایی قابل قبول آن است. همچنین برای بالا بردن روایی نتایج به دست آمده سعی شده مراحل جمع آوری اطلاعات تا حد ممکن واضح و قابل اطمینان باشد.

پس از جمع آوری اطلاعات، نتایج به دست آمده جهت تجزیه و تحلیل دسته بندی شد و امکان محاسبه راهبردهای یادگیری زبان و عزت نفس به وجود آمد. هر دو مقیاس از نوع لیکرت بودند. هرکدام از عبارات و سؤال‌های پرسش‌نامه راهبردهای یادگیری شامل پنج مورد بود که شرکت کنندگان یکی از آنها را به عنوان پاسخ خود علامت می زدند. این پنج مورد شامل همیشه ۵ امتیاز، معمولاً ۴ امتیاز، گاهی ۳ امتیاز، به ندرت ۲ امتیاز، و هرگز ۱ امتیاز می شدند. مقیاس عزت نفس نیز شامل عبارتی بود که در آن دانشجویان می توانستند یکی از چهار مورد خیلی موافقم، موافقم، مخالفم و خیلی مخالفم را انتخاب کنند که به ترتیب ۴، ۳، ۲، ۱ امتیاز داشتند.

^۱ coopersmith

ابتدا برای بررسی وجود یا عدم وجود رابطه معنادار بین امتیاز کل راهبردهای یادگیری و عزت نفس از ضریب همبستگی استفاده شد. بنابراین رابطه بین این دو متغیر بدون دخالت دادن جنسیت و نوع کلاس محاسبه گردید. همچنین رابطه بین هر کدام از گروه های شش گانه راهبردهای یادگیری زبان و عزت نفس مربوط به همان گروه با استفاده از ضریب همبستگی محاسبه شد. سپس همه نمونه های آماری بر اساس میزان استفاده از راهبردهای یادگیری و با در نظر گرفتن میانه این مجموعه به دو گروه شامل افرادی که از تعداد نسبتاً زیادی از راهبردهای یادگیری بهره می گیرند و آنهایی که میزان استفاده از راهبردهای یادگیری اشان کم است تقسیم شد. برای مقایسه میانگین این دو گروه و آگاهی از میزان عزت نفس هر گروه از آزمون t استفاده شد. از آنجا که یکی دیگر از هدف های پژوهش بررسی رابطه جنسیت و بهره گیری از راهبردهای یادگیری و نیز رابطه آن با میزان عزت نفس دانشجویان بود در تقسیم بندی های جدا گانه ای نمونه مورد آزمون به دو گروه مذکر و مؤنث تقسیم شد و با روند مشابهی میانگین عزت نفس و نیز میانگین راهبردهای یادگیری هر دو گروه محاسبه و با آزمون t بررسی شد. برای تحلیل داده ها و نتایج به دست آمده از نرم افزار Spss استفاده شد.

نتایج

نتایج به دست آمده نشان داد راهبردهای فرا ذهنی پرکاربردترین راهبرد از راهبردهای یادگیری دانشجویان زبان انگلیسی بودند (میانگین = ۳۸۷/۴۴). همچنین مشخص شد راهبردهای مهار احساسات از بین شش گروه راهبردهای یادگیری کم کاربردترین هستند (میانگین = ۲۹۵/۸۳)، راهبردهای جبرانی (میانگین = ۳۵۱/۶۶)، راهبردهای ذهنی (میانگین = ۳۴۹/۶۶)، راهبردهای اجتماعی (میانگین = ۳۳۱/۶۴)، و راهبردهای مربوط به حافظه (میانگین = ۳۰۲/۱۱) به ترتیب دومین تا پنجمین گروه راهبردی مورد استفاده دانشجویان بودند. جدول شماره ۱ خلاصه این نتایج را نشان می دهد.

جدول شماره ۱: بسامد استفاده از گروه های مختلف راهبردهای یادگیری

رتبه	گروه راهبردهای یادگیری	تعداد سؤالها	میانگین	انحراف معیار
۱	فرا ذهنی	۹	۳۸۷/۴۴	۲۶/۰۵
۲	جبرانی	۶	۳۵۱/۶۶	۳۵/۴۴
۳	ذهنی	۱۴	۳۴۹/۶۶	۲۶
۴	اجتماعی	۶	۳۳۱/۶۴	۴۰/۳۱
۵	حافظه	۹	۳۰۲/۱۱	۶۸
۶	مهار احساسات	۶	۲۹۵/۸۳	۶۷/۲۲

بر اساس نتایج به دست آمده راهبرد شماره ۳۳ یعنی "من سعی می کنم زبان آموز خوبی باشم" که یکی از راهبردهای فرا ذهنی است پرکاربردترین مورد است در حالی که راهبرد شماره ۵ یعنی "من برای به یاد سپردن کلمه ها با آنها شعر می سازم" کم کاربردترین مورد به شمار می رود.

پس از استفاده از ضریب همبستگی برای بررسی رابطه بین راهبردهای یادگیری و عزت نفس مشخص شد بین این دو متغیر تفاوت مثبت و معناداری وجود دارد ($t=0/49$, $p < 0/05$, $n=127$).

به عبارت دیگر آن دسته از زبان آموزانی که از راهبردهای یادگیری بیشتری استفاده می کنند از عزت نفس بالاتری برخوردارند. همچنین گروه های مختلف راهبردهای یادگیری به صورت جداگانه با عزت نفس مربوط به همان گروه مقایسه شد که راهبردهای فرایند ذهنی بیشترین ارتباط و راهبردهای مهار احساسات کمترین ارتباط معنادار را با عزت نفس همان گروه داشتند. جدول شماره ۲ این نتایج را نشان می دهد.

جدول شماره ۲: ضریب همبستگی پیرسون مربوط به گروه های مختلف راهبردهای یادگیری و عزت

نفس						
راهبردهای یادگیری	حافظه	ذهنی	جبرانی	فرا ذهنی	مهار احساسات	اجتماعی
عزت نفس	۰/۴۰	۰/۴۷	۰/۴۶	۰/۳۱	۰/۱۸	۰/۳۶

نتایج این پژوهش از نظر گروه های مختلف راهبردهای یادگیری با نتایج به دست آمده از بررسی های انجام شده از سوی دیگر پژوهشگران شباهت ها و تفاوت هایی دارد: آکسفورد و ارمن (۱۹۹۰) نشان دادند راهبردهای جبرانی پرکاربردترین گروه ها هستند. این پژوهش با ۸۵۵ آمریکایی که در دوره های فشرده آموزش زبان شرکت کرده بودند انجام شد. در همین

پژوهش راهبردهای اجتماعی، ذهنی و فراذهنی به ترتیب دوم و سوم و چهارم بودند. رتبه راهبردهای ذهنی، حافظه و مهار احساسات در آن پژوهش و پژوهش حاضر مشابه بوده است. بر اساس پژوهش آکسفورد و نیکوس (۱۹۸۹) راهبردهای مهار احساسات و حافظه در پایین ترین رده قرار داشتند که از این جهت با پژوهش حاضر همخوانی دارد.

همچنین با استفاده از میانه حاصل از امتیازات مربوط به راهبردهای یادگیری که برابر با ۱۳۱ بود همین نمونه به گروه بالای ۱۳۱ یعنی آنهایی که استفاده زیادی از راهبردهای یادگیری می‌کنند و گروه پایین‌تر از ۱۳۱ یعنی افرادی که استفاده کمتری از راهبردهای یادگیری می‌کنند، تقسیم شدند. با فرض عدم تساوی واریانس‌ها آزمون t انجام شد و مشخص شد آنهایی که از راهبردهای بیشتری استفاده می‌کنند از عزت نفس بالاتری برخوردارند. همچنین با استفاده از آزمون f مشخص شد جنسیت نقش تعیین کننده‌ای در میزان استفاده از راهبردهای یادگیری و در میزان عزت نفس ندارد.

نتایج مشابهی از سوی تحریری (۲۰۰۳) گزارش داده اما در پژوهش‌هایی که از سوی پامپهیلی (۲۰۰۱) انجام شد افراد مذکر عزت نفس بالاتری نسبت به افراد مؤنث نشان دادند. بلک من و فاندر (۱۹۹۶) نیز در پژوهشی دیگر نشان دادند افراد مذکر و مؤنث عزت نفس برابر دارند.

خلاصه نتایج به شرح زیر است:

۱. بین میزان استفاده از راهبردهای یادگیری زبان و عزت نفس دانشجویان زبان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
۲. از میان شش گروه راهبردهای یادگیری، راهبردهای ذهنی بیشترین و راهبردهای مهار احساسات کمترین همبستگی را با عزت نفس دارند.
۳. بیشتر زبان آموزان می‌خواهند یک زبان آموز خوب باشند و از راه‌های مختلف برای رسیدن به این هدف استفاده می‌کنند. اما عده خیلی کمی از آنان برای به یاد سپردن کلمه‌ها با آنها شعر می‌سازند.
۴. زبان آموزانی که از راهبردهای یادگیری بیشتری استفاده می‌کنند از عزت نفس بالاتری نسبت به آنهایی که از راهبردهای کمتری استفاده می‌کنند، برخوردارند.
۵. جنسیت عامل تعیین کننده‌ای در میزان استفاده از راهبردهای یادگیری و یا میزان عزت نفس نیست.

- Brown, H. D. (۲۰۰۰). Principles of language learning and teaching (۳rd ed.). Englewood Cliffs, NJ:Prentice Hall Regents.
- Cohen, A.(۱۹۹۸). Strategies in Learning and Using a Second Language. London and New York, Longman.
- Ehrman, M.E. & Oxford, R.L. (۱۹۹۰). Adult language learning styles and strategies in an intensive training setting. Modern Language Journal, ۷۴(۳), ۳۱۱-۳۲۷.
- Mohammadi E. Q. (۲۰۰۳). On the relationship between language learning strategies and language anxiety. Unpublished MA thesis, Allameh University, Tehran, Iran.
- O'Malley, J. M. & Chamot, A. U. (۱۹۹۰). Learning strategies in second language acquisition. New York: Cambridge University Press.
- Oxford, R. & Nykios, M. (۱۹۸۹). Variables affecting the choice of language learning strategies by university students. Modern Language Journal, ۷۳(۳): ۲۹۱-۳۰۰.
- Oxford, R. L. (۱۹۹۰). Language learning strategies: What every teacher should know. New York, NY: Newbury House Publishers.
- Pappamihiel, N. E. (۲۰۰۱). Moving from the ESL classroom into the mainstream: An investigation of English language anxiety in Mexican girls. Bilingual Research Journal, ۲۵(۱۸۲), ۳۱-۳۸. (ERIC Document Reproduction Service No. EJ ۶۳۷۹۲۴).
- Park, G. (۱۹۹۴). Language learning strategies: Why do adults need them? Unpublished manuscript, University of Texas at Austin.
- Richards J.C.&Schmidt R.(۲۰۰۲).Dictionary of language teaching and applied linguistics (۳rd ed.). England: Pearson Education Company.
- Rubin, J.(۱۹۷۵). 'What the "Good Language Learner" Can Teach Us'. TESOL Quarterly ۹, ۴۱-۵۱.
- Rosenberg, M. (۱۹۶۵). Society and adolescent self-image. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Rosenberg, M., Schooler, C., & Schoenbach, C. (۱۹۸۹). Self-esteem and adolescent problems: Modeling reciprocal effects. American Sociological Review, ۵۴, ۱۰۰۴-۱۰۱۸.
- Tahriri A. (۲۰۰۳). EFL learners' foreign language classroom anxiety and its relationship to their global self-esteem. Unpublished MA thesis, Shiraz University, Shiraz, Iran.
- Watanabe, Y. (۱۹۹۰). External variables affecting language learning strategies of Japanese EFL learners: Effects of entrance examination, years spent at college /university, and staying overseas. Unpublished M.A thesis, Lancaster University, Lancaster, U.K.